

اگر مثلاً فردی برای توضیح درخصوص فرار مالیاتی به اداره مالیات فراخوانده شود و حین مراجعه به این محل دچار عارضه قلبی شود باید قانون مالیات را لغو کرد؟

در یادداشت روزنامه کیهان عنوان شد؛

کیهان

در شرایطی که ماجرای بیهوشی و نهایتاً فوت تأثر انگیز «مهسا امینی» هنگام حضور در یکی از مراکز پلیس بازار دروغ پردازی و شایعه سازی‌های ضد انقلاب و برخی در داخل را داغ کرده بود انتشار تصاویر این حادثه یک بار دیگر رسوایی این فرصت طلبان را رقم زد.

به گزارش اسپادانا خبر، روزنامه کیهان در یادداشتی نوشته است:

با وجود توضیحات پلیس اما شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی ضد انقلاب و برخی چهره‌های سیاسی در داخل و سلبریتی‌ها و برخی از فعالان فضای مجازی هم نوا با این شبکه‌ها شروع به پمپاژ شایعات مختلف از جمله آسیب دیدگی مهسا امینی بر اثر برخورد پلیس یا شکنجه و... کردند. متأسفانه روز جمعه با وجود تلاش کادر درمان این دختر جوان جان خود را از دست داد تا حجم شایعات و دروغ پردازی‌های مطرح شده در این خصوص افزایش چشمگیری پیدا کند. کار به جایی رسیده بود که فردی در توئیتر با اشاره به خون ریزی از گوش این بیمار تحت درمان با کلی توضیح به اصطلاح علمی نتیجه گرفته بود که این حالت حکایت از برخورد جسم سخت با سر و... است اما پرداختن همراه با قضاوت‌های نادرست و پیش از روشن شدن اصل ماجرا از سوی برخی چهره‌های سیاسی بیش از آنکه رنگ و بوی دلسوزی داشته باشد بیشتر نوعی عقده گشایی و فرصت طلبی برای حمله علیه نظام می‌نماید به عنوان مثال آیا اشک و ناله امروز گروهی که زمان زیادی از دفاع آنها از شهردار هم حزبیشان در ماجرای قتل «میترا استاد» نمی‌گذرد برای مهسا امینی را می‌توان تحت عنوان حمایت و دفاع از حقوق زنان و دختران پذیرفت؟ کسانی که انواع تهمت و نسبت ناروا را به زن بی‌دفاعی که به دست همسرش در حمام به گلوله بسته شد زدند تا همفکر و هم حزبیشان را تبرئه کنند اساساً صلاحیت دفاع و ریختن اشک تمساح برای حقوق زنان را دارند؟ عده‌ای هم که فریب این دروغ پردازی‌ها و شایعه‌سازی‌های این چند روز را خورده‌اند باید از خود بپرسند تا کی می‌خواهند ذهن و روح خود را تسلیم دروغ پردازی‌های شبکه‌های معاند و پادوهای داخلی آنها کنند؟

در ادامه این یادداشت آمده است:

از طرفی عده‌ای تلاش می‌کنند با بهره‌برداری از حادثه تلخ و ناگوار فوت «مهسا امینی» مقابله با بدپوششی و عمل کردن پلیس به وظیفه قانونی خود رد برخورد با هنجارشکنی و زیر پا گذاشتن قانون را ناموجه جلوه دهند. این تحلیل‌ها می‌تواند سرآغاز بی‌قانونی و هرج و مرج در جامعه شود چرا که در همه تخلفات کوچک و بزرگ دیگر هم ممکن است فردی با سابقه بیماری زمینهای یا حتی غیر آن دچار موارد مشابه شود. به قول دوستی اگر مثلاً فردی برای توضیح درخصوص فرار مالیاتی به اداره مالیات فراخوانده شود و حین مراجعه به این محل دچار عارضه قلبی شود باید قانون مالیات را لغو کرد؟ این ماجرا و رسوایی دروغ پردازان یک بار دیگر این سؤال مهم را مطرح می‌کند که آیا دستگاه قضا قصد برخورد با کسانی که بدون سند و با اهداف مغرضانه یا خودنمایی آرامش روانی جامعه را هدف می‌گیرند و مثلاً نظام را به دروغ به شکنجه یک دختر جوان متهم می‌کنند ندارد؟ بخش زیادی از این جولانگری دروغ پردازان و دامن زدن به شایعات در بستر فضای مجازی رها و یله کشور است که در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد. آیا برای این شرایط نباید فکری کرد؟

برچسب ها: [حقوق زنان](#) [1]

[حجاب](#) [2]

[حقوق شهروندی](#) [3]

